

# دژهای مادی و پاهیان آشوری

مرداد ملکزاده

و همسایه‌های بسیار روشن میان شیوه ساخت و ساز و معماری بناهای دوره ماد و بناهای دوره هخامنشیان پارسی، گویا خیلی درست نباشد که این دو شیوه را کاملاً یکسان پنداشت؛ و از آن مهمتر اینکه اگر اکنون با بررسی در تاریخچه سبک پارسی ریشه برخی ویژگیهای این سبک را در معماری سرزمین ماد می‌یابیم، سزاست این سبک را مادی-پارسی بنامیم. به هر روی تفاوتها و اختلاقیهای بین معماری ماد و معماری هخامنشی بارز است؛ تمامی شواهد معماری و نیز داده‌های تاریخی شهادت بر وجود معماری ویژه‌ای در شمال غرب ایران پیش از دوره هخامنشیان دارد که می‌توان آن را "سبک مادی" نامید. شناخت این سبک و ارتباط آن با سبک پارسی در بررسی تاریخی معماری ایران اهمیت بسیار دارد؛ در اینجا ما به معرفی برخی شواهد در باب چنان معماری که سخت ناشناخته مانده است، خواهیم پرداخت.<sup>۱</sup>

شمال غربی فلات ایران، مادستان، همزمان با رشد و گسترش امپراتوری آشور در دوره آشور نو (۹۱۱ تا ۶۰۵ ق م) در میانرودان شمالی، پای به دوران تاریخی جدیدی نهاد. برآمدن میانرودان شمالی تحت لوای آشوریان در تاریخ شرق قدیم واقعه پر اهمیتی است. درست برخلاف میانرودان جنوبی که رونق خویش را مدیون کشاورزی وابسته به شبکه راه‌آبهای مصنوعی میان دجله و فرات بود، میانرودان شمالی استعدادی از برای کشت و زرع وسیع نداشت؛ خاک آشور نیز، به معنی اخص آن، از لحاظ طبیعی و معدنی بسیار فقیر بود. بابل مهمترین شهر میانرودان جنوبی نقطه آغاز و انجام همه راههای تجاری دنیای کهن بود؛ شاهراه مبادلات بازرگانی خراسان بزرگ از طریق بابل، سرپل ذهاب، بیستون، همدان و ری، آسیای غربی را به آسیای مرکزی پیوند می‌داد، ولی میانرودان شمالی در مسیر راههای تجاری آنروزگار جایی نداشت و بنابراین از شکوه و ثروت بابل در آنجا خبری نبود. در شهرهای مهم آشوری مردمانی فقیر، ولی جسور، تندخو و سلحشور زندگی می‌کردند؛ در آن زمان آنان خویشتن را سزاوارترین مردمان برای سروری بر دیگران می‌دانستند. قدرت یافتن روزافزون آشور طی نیمه نخست هزاره یکم ق م و نیاز این امپراتوری، که طبیعتی چنین فقیر داشت، به منابع طبیعی و معدنی سرزمینهای دیگر، اشکرکنشهای

تاریخ معماری ایرانی را با سبک پارسی آغاز می‌کنند. این سبک از روزگار مادها تا فتح مقدونی شرق به دست اسکندر (سده نهم تا سده سوم ق م) ادامه می‌یابد؛ پس از آن معماری ایران به سبک پارتی تحول پیدا می‌کند و سپس سبک خراسانی در سده‌های نخستین اسلامی و آنگاه به ترتیب سبک رازی، سبک آذری و سبک اصفهانی تا زمانه ما در معماری ایرانی پدید می‌آید.<sup>۲</sup>

سبک پارسی همان شیوه معماری دوره هخامنشی است که در بناهایی همچون پاسارگاد، تخت جمشید و شوش تجلی یافته.<sup>۳</sup> اما مسلماً سبک معماری پارسی در خلاء تکوین نیافت که مبدأ و منشأ آن، سبکهای معماری پیشین فلات ایران و نواحی همجوار بوده است. برای مثال شاید بتوان "سبک عیلامی" را از نخستین روشها و شیوه‌های معماری ایران زمین شمرد که نمونه‌های آن زیگورات چغازنبیل باشد.

اما سبک معماری شمال غرب فلات ایران پیش از دوره هخامنشی را هم نباید نادیده گرفت، بسیاری از عناصر سازنده سبک پارسی مانند تالارهای ستونداري همچون صد ستون‌ها و آپاداناها ریشه در معماری سرزمین ماد پیش از هخامنشی دارد. علاوه بر نمونه کهنتر تالار ستوندار در حسنلو، در چند مجموعه مادی مانند نوشی جان تپه ملایر و گودین تپه کنگاور و باباجان تپه لرستان تالارهای ستونداري که می‌توان آنها را نیای آپاداناها شمرد دیده می‌شود. برخی دیگر از عناصر سازه‌ای معماری ایرانی مانند قوسهای جناقی و پوششهای تاق آهنگ هم در معماری مادی نوشی جان تپه سابقه دارد. از اقصی نقاط شرق مادستان، در ناحیه قومس بعدها، نیز باید از قوس جناقی بنای هزاره یکم ق م دلازبان سمنان نام برد.<sup>۴</sup> و سازه‌هایی مانند آتشگاه زار بلاغ قم که از نظر ساخت و ساز همانندی بسیار با نوشی جان تپه دارد ولی با مصالحی از لاشه سنگ و نه خشت.<sup>۵</sup> همچنین پاره‌ای عناصر آرایشی و تزیینی معماری نیز در سرزمین ماد متکامل شده از جمله باید به آجرهای لعابدار مادی باباجان تپه<sup>۶</sup> و نمونه‌های مانایی تپه قلاچی بوکان اشاره کرد که مقدمه آجرهای لعابدار هخامنشی و کاشیهای بعدی است.<sup>۷</sup> هر چند که بناهای دوره ماد و شیوه معماری مادان را نیز در سبک پارسی گنجانیده‌اند؛<sup>۸</sup> اما با وجود هماهنگیها

شاهک نشینها را غالباً شاه، در اکدی: شرو (Sarru) نمی خوانند، بلکه آنان را بل آلی (bēlāli) می نامیدند<sup>۱۳</sup> که «خداوند دهکده» یا «دهخدا» معنا دارد و گویا ترجمه اکدی واژه ایرانی باستان ویس پتی (vispati-) به معنی «سرپرست ده» است.<sup>۱۴</sup>

طی شرح لشکرکشی سال ۸۸۱ ق م آشور نصیر پال دوم (۸۸۳ تا ۸۵۹ ق م) به مرزهای غربی سرزمین ماد آینده، به زمو (Zamua) برای نخستین بار به ساختن دیواری برای مقابله با آشوریان اشاره می شود.<sup>۱۵</sup> نور آدد (Nur-adad) که در متن آشوری نه حتی بل آلی بلکه نسیکو (nasiku) یعنی «پیشوای قبیله» ناحیه دگر (Dagara) در زمو خوانده می شود - مردمان سراسر زمو را گرد خویش آورد و متحد ساخت؛ لشکریان وی حصار را بر آوردند که گردنه بیبت (Babite) را - همان دربند بازیان کنونی بر سر راه آلتین کپرو به زاب سفلی و سلیمانة عراق - مسدود کند. اما آشور نصیر پال به مردان نور آدد مجال نداد که کار بر پا داشتن دیوار را به اتمام برسانند و با سپاهی که از لحاظ شمار بر آنان بسی افزون بود از گردنه گذشت و به خاک اصلی زمو تاخت.

طی لشکرکشی سال بعد (۸۸۰ ق م) سپاهیان آشوری باری دیگر به زمو تاختند. در نتیجه این لشکرکشی زمو همچون یکی از ایالات تابعه به آشور منضم شد، در پایان این سفر جنگی آشور نصیر پال دژ کهنه آتلیل (Atilla) را که پیشتر به پادشاهان کاسی بابل متعلق بود، بازسازی کرد و آن را دور آشور (Dūr-Assur) نامید؛ وی این دژ را مرکزی برای جمع آوری مالیات و باج و خراج ایالت تازه تأسیس زمو و انبار علوفه و آذوقه لشکرکشیهای آینده خود به سمت مشرق قرار داد.<sup>۱۶</sup>

چندی پس از آن شلمنصر سوم (۸۵۸ تا ۸۲۴ ق م) فرزند و جانشین آشور نصیر پال، در سال شانزدهم پادشاهی خود (۸۳۳ ق م) در یک سفر جنگی به مادستان پس از لشکرکشی به سرزمین مادنیان (پادشاهی مانا در جنوب دریاچه اورمیه و کردستان) به شاهک نشین آلبریه (Allabria) - کردستان اردلان بعدها - تاخت و شهر پدیر (Padira) پایتخت یزری (Ianzli) شاهک آلبریه را متصرف شد و تزیینات زرین زیبای دروازه و خزائن فراوان کاخ و زنان حرم او را به آشور برد.<sup>۱۷</sup> این آگاهی در بررسی تاریخ معماری مادستان و آرایه های آن بسیار ارزشمند است. شکوفایی اقتصادی و تعالی فرهنگ مادی سرزمین ماد در آرونوگار به حدی است که شاهک سرزمینی کوچک همچون آلبریه درهای کاخ خویش را از پوشش زر با تزیینات چشمگیر می سازد؛<sup>۱۸</sup> چیزی که در امپراتوری آشور با تمامی قدرت و شکوه آن هرگز سابقه نداشت و موجب حیرت پادشاه آشوری شده بود؛ شلمنصر سوم خود در آن ایام برای دروازه ایمگورائیل (یا ایمگورعل) باستان در تل بلوات روپوش زیبایی از مفرغ تهیه دید،<sup>۱۹</sup> کاری که پدرش نیز پیشتر انجام داده بود؛<sup>۲۰</sup> این دو پادشاه کشورگشای آشوری در دوره اوج قدرت نیز نتوانستند درهای بلوات را بز پوشانند و فقط آن را مفرغین کردند.

شمش آدد پنجم (۸۲۴ تا ۸۱۰ ق م) فرزند و جانشین شلمنصر، در لشکرکشی سال ۸۲۰ ق م به مادستان در ناحیه کوهستانی گیزیل بوند (Gizilbunda) یا شاهکی به نام پیریشاتی (Pirishati) روپرو شد. پیریشاتی - که نیشته آشوری او را شاه گیزیل بوند می خواند - مصمم به پایداری بود. تمامی اتباع وی در دژ او به نام اوزش (Uraš) سنگر گرفتند، ولی آن دژ بسیار قدیمی بود و نتوانست در برابر شهرنندان سپاه آشوری که به نوازم فنی قلعه کوبی کامل مجهز بودند، تاب بیاورد. اوزش و سایر قلاع کوچک پیرامون آن تسخیر شد و بنا بر متن کتیبه آشوری ۶۰۰۰ مرد جنگی در نبرد از پای درآمدند و ۱۲۰۰ نفر به اتفاق شخص پیریشاتی اسیر شدند.<sup>۲۱</sup> گویا هنوز دژسازی سرزمین ماد تا ساختن قلاع نفوذناپذیر راه درازی را در پیش داشت.

متعدد غارتگرانه پادشاهان آشور را به اینجا و آنجا الزام می کرد؛ این چنین است که معنی پادشاهی آشور نو به جنگ پیشگی و نظامیگری محدود می شود. در واقع آشوریان اجبار داشتند که دائماً به جنگهای کوتاه و بلند در سرزمینهای دور یا نزدیک مشغول باشند، در غیر این صورت امپراتوری آشور در کوتاه مدتی از میان می رفت.<sup>۲۲</sup> کوهسارهای زاگرس، نیمه غربی و شمال غرب ایران نزد آشوریان منبع پایان ناپذیری از غنایم پر ارزش به شمار می آمد؛ در فاصله سدهای دهم تا هفتم ق م آشوریان با هدف دست یابی بر مواد اولیه سرشار و منابع طبیعی و معدنی غنی سرزمین ماد و نظارت و شاهراه خراسان بزرگ بارها و بارها به زاگرس تاختند.<sup>۲۳</sup> متون آشوری گاه با جزئیات فراوان و اطلاعات دقیق مراحل لشکرکشیها را شرح می دهند و گاه گزارش مفصالی در مورد دژها، استحکامات و معماری مناطق گشوده شده را ارائه می کنند. بر اساس این گزارشها می دانیم که در سرتاسر نیمه غربی و شمال غرب فلات ایران در فاصله سدهای دهم تا هفتم ق م، «دهدژ»ها، «شهردوات»ها و شاهک نشینهای متعدد کوچک و بزرگ پراکنده بودند. این شاهک نشینها گاه با یکدیگر در نبرد بودند و گاه با نیروی مهاجم سپاهیان آشوری مواجه می شدند و برای حراست از خویش دست به معماری قلاع و دژهایی کمابیش مستحکم می زدند، داستان تصرف این دژها در منابع آشوری مکرراً آمده است.

نیشته های آشوری حاکی از آن است که در خاک ماد نقاطی مسکونی با استحکامات حصین که آشوریان آن را آلانی دنوتی (ālāni dannū) یعنی «دژ نیرومند» می نامیدند و مناطق حواشی آن که آشوریان آن را آلانی سحروتی (ālāni schrūti) یعنی «دژ پیرامونی» می نامیدند وجود داشته. در زبان پارسی باستان نیز میان این دو تمایزی دیده می شود؛ دژ یا دیدا (dida) که در حقیقت همان حصار است و در اکدی ( - آشوری) آلو (ālu) و هم بیروتو (birutu) گفته می شده و ده یا ویس (vis) که در واقع خود نقطه مسکونی است و در اکدی ( - آشوری) منحصرأ آلو (ālu) گفته می شده. این بخش بندی بعدها در شهرهای ایرانی سدهای سپسین نیز مشهود است؛ آنجا که بافت شهر به سه پاره کهنه دژ، شارستان و ریض (بیرون) تقسیم می شده است. در خاک مادستان کهنه دژ و شارستان همان آلانی دنوتی و بیرون همان آلانی سحروتی است؛ به نظر می رسد فرمانروای هر دهدژ یا شهردولت و یا شاهک هر شاهک نشین، در دژ خود کاخی، قصری یا دستکم کوشکی داشته که کهنه دژهاست؛ عمارتهای دیگر درون هر دژ شارستان بوده و بیرون هر دژ ریض را پدید می آورده است. در نیشته های آشوری آمده که ساکنان آلانی سحروتی به هنگام خطر ضرورتاً می توانستند به درون دژ پناه برند. چنین دژی حتی ممکن است مکان مسکونی دائمی یا پناهگاه موقتی باشد، یعنی حصاری که درون آن فضایی خالی برای افراد و دامها وجود داشته است.<sup>۲۴</sup> برای هرچه مستحکمتر شدن دژها تدابیر بسیاری را به کار می بستند. ولی حصارهای خشتی هرچند ستبر و قطور و با پشت بندهای متعدد، ندرتاً موجب آسایش خاطر ساکنان بود، تاریخ جنگهای آشوریان با مادها نشاندهنده آن است که عموماً به محض نزدیک شده سپاهیان آشوری دژها تخلیه می شد و مردمان با داراییها و احشام و دامهای خود به نقاط کوهستانی دور از دسترس می گریختند و حصار خشک و خالی و قلاع متروک را برای غارتگران آشوری به جای می نهادند.

با اینکه دژهای مادی در حد مقدرات مادان مستحکم بود و برای دفاع در برابر حمله دیگر شاهکان مادی کفایت می نمود، در آن حد قدرت و استحکام نداشت که بتواند شهرنندان منظم لشکریان آشوری را که به بهترین وسایل فنی زمانه خویش مجهز بودند، تاب بیاورد؛ در نتیجه با گریختن به ارتفاعات و مناطق دورافتاده کوهستانی امید بیشتری به حفظ افراد و دامها می رفت.<sup>۲۵</sup> آشوریان فرمانروایان این دهدژها، شهردولتها و یا

بر اساس این نقوش، دژ یا شهر خرحار (کار شروکین آشوریان، به گمانی تیه گیان نه‌اوند)<sup>۳۰</sup> بر کنار رودکی واقع بوده، و حصاری در سه ردیف گرد آن را می‌پوشانیده و راه ورود به دژ دو دروازه اصلی دژ بوده؛ در میانه دژ تپه‌ای (یا تختگاهی؟) بوده که بر فراز آن کوشکی (کهندژ) قرار داشته که برای ساختن آن با صفه‌سازی شیب تپه را گرفته بوده‌اند، پیرامون کوشک عمارت‌های دیگری وجود داشته است (تصویر شماره ۱).

کیندائو دژ یا شهری کوچک بوده با دو حصار برگرد آن که کهندژی در میان داشته و دو دروازه جدا از هم که یکی بر دیوار اصلی دژ و دیگری در ردیف بعدی در کنار صفه‌ای تعبیه شده بوده (تصویر شماره ۲).

شیکزک (به گمانی تیه سیلک کاشان)<sup>۳۱</sup> دژ یا شهری است نه چندان کوچک و نه چندان بزرگ، بر تپه‌ای (یا تختگاهی؟) کم از ارتفاع یا حصاری بر گرد آن، که در بخشی از حصار یادبودنامه‌ای از یک پادشاه آشوری پیشین (احتمالاً تیگلت پیلسر سوم) نصب شده بوده (تصویر شماره ۳).

دژ یا شهر کیشسیم (در نزدیکی گودین تپه، به گمانی در حول و حوش ده نجف آباد اسد آباد همدان)<sup>۳۲</sup> بسیار وسعت داشته، حصاری مرتفع در چهار ردیف یا بیشتر آن را در بر گرفته بوده است، بخش مرکزی شهر بر تپه‌ای (یا تختگاهی؟) کم از ارتفاع بنا شده بوده و در بیرون آن پارهای تأسیسات پراکنده ساخته شده بوده (تصویر شماره ۴).

دژها و یا شهرهای کوچکتر گنجوتو و شورگدیه بر تپه‌هایی کوتاه استوار شده است و گرد هر دورا برج و بارویی در دو ردیف در بر گرفته است (تصویر شماره ۵). شهر کیششلو نیز همانند آنهاست اما در پای تپه آن کوشکی کوچک ساخته شده بوده که بر کرانه رودکی واقع بوده است (تصویر شماره ۶).

دژ یا شهر بیت بگیه (به گمانی "دژ مادی" بیستون)<sup>۳۳</sup> به گونه‌ای متمایز و ممتاز نمایش داده شده؛ این دژ بر بلندی تک کوهی استوار شده و حصاری بس مختصر دارد با یک ردیف برج و بارو که بر فراز هر برج آن، آتشدانی بر فروخته است (تصویر شماره ۷).

دژ یا شهر مازایی پژی یا پنزیس (به گمانی زنجان روزگاران سپین)<sup>۳۴</sup> بر شیب تند تپه‌ای بلند واقع بوده که دره‌ای عمیق آن را از تپه دیگری که ویا بوستانی است، جدا می‌کند؛ شیب تند تپه ساختمان دژ را تحت تأثیر قرار داده است به گونه‌ای که هر برج حصار اندکی از برج قبلی بلندتر است و دیوار در فاصله برجها از شیب تپه تبعیت می‌کند (تصویر شماره ۸).

مجموعه نقوش دژهای (شهرهای) مادی و مانایی از کاخ سارگن دوم در خُرساباد نشان می‌دهد که این دژها ساختمانهای کمابیش استواری بوده که بر ارتفاعات و صخره‌های طبیعی و به ندرت بر خاکریزها و تپه‌ها و تختگاههای مصنوعی ساخته می‌شده؛ گرداگرد هر دژ حداقل یک حصار و نیز گاهی چندین دیوار تو در تو و متحد‌المرکز کشیده شده بوده؛ در طول دیوارها به فواصل معین برجهایی تعبیه شده بوده و در بالای هر برج و دیوارها کنگره‌ها و تیرکشیهایی برای کمانداران ساخته شده بوده. گاهی با صفه‌سازی شیب تند تپه‌ها را می‌گرفتند؛ گویی که بن و ریشه حصار اصلی شهر و شاید کنگره‌ها، همانند آنچه در اورارتو رایج بود، با سنگ لاشه ساخته می‌شده است و بدنه حصار با خشت خام، عموماً دژها را آنچنان می‌ساختند که مسیر رودی و دست‌کم رودکی، خندقی طبیعی برای دفاع دژ باشد؛ غالباً در درون هر دژ کوشک حاکم را هم با برج و بارویی مجزا مستحکم می‌کردند.<sup>۳۵</sup>

معماری دژهای مادی و مانایی که در نقوش برجسته کاخ سارگن دوم در خُرساباد تصویر شده است با معماری دژهای اورارتو، فنیقیه، و سوریه که در دیگر صحنه‌های نقوش برجسته همان کاخ نمایش داده شده تفاوت دارد؛ در دژهای غیر مادی، درپچه‌های راست‌گوشه‌ای که در برجهای

سالها بعد در دومین لشکرکشی تیگلت پیلسر سوم (۷۴۵ تا ۷۲۸ ق.م) به خاک ماد به سال ۷۲۷ ق.م، شاه آشوری پس از فتح خطه کوهستانی سیلحزی (Silhazi) موصوف به دژ بائین (گویند که یعنی الوند کوه)<sup>۳۶</sup> و قلعه مجاور آن تیل آشوری (Til-Assuri) در ناحیه همدان کنونی در نیایشگاه دژ تیل آشوری قربانی نثار مردوک خدای بزرگ بابل کرد و فرمان داد در آنجا به افتخار وی یادبودنامه‌ای بر پا دارند.<sup>۳۷</sup> این پیروی از سنت دیرینه‌ای بود که پادشاهان آشوری بدان عمل می‌کردند، یک سده پیش از تیگلت پیلسر سوم، در سال ۸۳۴ ق.م شلمنصر سوم در بیست و چهارمین سال پادشاهی خویش، در لشکرکشی مفصلی به مادستان، پس از پایان سفر جنگی فرمان داد در دژ خرحار (Harhār) یادبودنامه‌ای برای وی بر پا دارند و تصویرش را بر سنگ نقر کنند.<sup>۳۸</sup>

اما دوره اوج حضور، نفوذ و رسوخ آشوریان در خاک ماد شانزده سال پادشاهی سارگن دوم (۷۲۱ تا ۷۰۵ ق.م) است؛ سارگن در سالهای ۷۱۹، ۷۱۶، ۷۱۵، ۷۱۴، ۷۱۳، ۷۱۱، ۷۰۸، ۷۰۶، ۷۰۵ ق.م بارها به مادستان لشکر کشید. در لشکرکشی سال ۷۱۶ ق.م سپاهیان آشوری دژ باستانی کیشسیم (Kisim) را متصرف شدند؛ سارگن نام دژ را به کارنینورت (Kār-Ninurta) در معنی شهر تقدیمی به خدای نینورت، تغییر داد؛ در آنجا یادبودنامه‌ای با تصویر حک شده خویش برآورد و پادگانی در دژ مستقر ساخت و بدین ترتیب آن دژ را مرکز ایالت تازه تأسیس آشوری کیشسیم قرار داد.<sup>۳۹</sup> به سال ۷۱۵ ق.م سارگن لشکرکشی مابین مابوسی را علیه پادشاهی اورارتو و متحدان مانایی و مادی آن ترتیب داد که بسی پیروزمندانه بود. سارگن سرمست به تختگاه پادشاهی مانا، ایزیرتو (Izirtu) در ناحیه بوکان امروزی، درآمد و در آنجا برای مسجل کردن تسلط خویش بر سرزمینهای شرقی یادبودنامه‌ای با تصویر خود بر سنگ بر پا داشت.<sup>۴۰</sup>

سارگن در سالهای ۷۱۶ و ۷۱۵ ق.م پس از فتح دژ باستانی و معروف خرحار و تغییر نام آن به کار شروکین (Kār-Sarrukin) در معنی شهر متعلق به سارگن، دژ را سخت مستحکم ساخت و آن را مرکز ایالت آشوری به همین نام (کار شروکین) قرار داد و در آنجا یادبودنامه‌ای با تصویر خویش برآورد.<sup>۴۱</sup> در نوشته‌های روزگار سارگن صراحتاً به تقویت دژ خرحار به جهت انعقاد ساختن مادستان اشاره شده است.<sup>۴۲</sup>

در کنار کتیبه‌های دوره سارگن، نقوش برجسته متعدد و پرشمار کاخ وی در شهر نوبباد او دور شروکین (Dūr-Sarrukin)، که اینک ویرانه‌های آن با نام خُرساباد در عراق کنونی شناخته می‌شود، مجموعه‌ای بی‌نظیر و بسیار مهم در بازسازی معماری مادستان است.<sup>۴۳</sup> در صحنه‌های گوناگون مربوط به پیروزیهای سارگن دژهای مادی با جزئیات دقیق و کامل نقش شده.<sup>۴۴</sup> این نقوش بسیار پرکار، زیبا و به تمام معنا هنرمندانه است؛ بخش بزرگی از هنر آشور نو در دوره سارگن در نقوش برجسته کاخ او در دور شروکین به نمایش در آمده است. نقوش برجسته مربوط به لشکرکشیهای سالهای ۷۱۶ و ۷۱۵ ق.م در اتاقهای دو و چهارده کاخ دور شروکین (خُرساباد) نصب شده بود؛

دژ مادی خرحار (Harhār)، اتاق ۳، نوار پائینی نقش برجسته؛<sup>۳۱</sup>  
 دژ مادی کیندائو (Kindāu)، اتاق ۲، نوار پائینی نقش برجسته؛<sup>۳۲</sup>  
 دژ مادی شیکزک (Šikrakka)، اتاق ۲، نوار پائینی نقش برجسته؛<sup>۳۳</sup>  
 دژ مادی کیشسیم (Kisim)، اتاق ۲، نوار پائینی نقش برجسته؛<sup>۳۴</sup>  
 دژ مادی گنجوتو (Ganguḫtu)، اتاق ۲، نوار پائینی نقش برجسته؛<sup>۳۵</sup>  
 دژ مادی شورگدیه (Šurgadia?)، اتاق ۲، نوار پائینی نقش برجسته؛<sup>۳۶</sup>  
 دژ مادی بیت بگیه (Bit-Bagaia)، دروازه ه، نوار بالایی نقش برجسته؛<sup>۳۷</sup>  
 دژ مادی کیششلو (Kiseshlu)، اتاق ۱۴، نوار پائینی نقش برجسته؛<sup>۳۸</sup>  
 دژ مانایی پژی یا پنزیس (Pažasi / Panziš)، اتاق ۱۴، نوار پائینی نقش برجسته.<sup>۳۹</sup>

بوده که از پیش ساخته می‌شده و برای مثال به تأیید حاکم یا شاهکی می‌رسیده که بنای دژ را سفارش داده بوده و آنگاه ساختمان دژ آغاز می‌شده؛ این نمونه شاید همچنین برای اظهار انقیاد شاهک صاحب دژ به پادشاه مخدوم وی تقدیم می‌شده است. تعدادی از این نمونه‌ها از قلمرو اورارتو یافت شده و نشان می‌دهد که این سنت نزد معماران اورارتویی رایج بوده و احتمالاً مادان آن را از آنان اخذ کرده بوده‌اند. نمونه مفرغین توپراق قلعه (لوحی که اینک در موزه بریتانیاست)، نمونه سنگی بسطام (تکه‌ای که در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود)، و نمونه سنگی دیگری که از عادل جواز در نزدیکی دریاچه وان یافت شده (نقش برجسته‌ای که اکنون در موزه آنکاراست) در بازسازی معماری اورارتویی بسیار مفید است.<sup>۵۵</sup> نیز به سال ۱۳۵۱ طی کاوشهای کنگاور نمونه کوچکی از جنس سنگ شیست به اندازه ۱۵ × ۱۵ سانتی متر از مرکز تپه ناهید به دست آمد که بعدها مبنای طرحهای بازسازی فرضی مجموعه بنای تاریخی کنگاور - موسوم به نیایشگاه آناهیتا - قرار گرفت؛<sup>۵۶</sup> یافت شدن این نمونه در قلب مادستان در مجموعه تاریخی کنگاور - که به گمان ما اصلی "مادی" دارد و گویا همان بیت عشتار (Bit-Ištar) مندرج در متون باستانی است - نشانه‌ای از تداوم تهیه و تدارک نمونه‌های معماری پیش از آغاز عملیات اجرایی سازه، نزد مادان است.

در دوره آشور بانی پال (۶۶۸ تا ۶۲۶ ق.م) نتیجه آنهمه فشار و تعدی امپراتوری آشور به مردمان مادستان عیان می‌شود؛ اکنون دیگر معماران مادی و مانایی سعی می‌کنند دژهایی هرچه مستحکمتر بسازند و این زمانی است که طی لشکرکشی سال ۶۶۰ ق.م سپاهیان آشور بانی پال تحت فرماندهی سپهسالار خویش نبوشراوصور (Nabušar-usur) به پادشاهی مانا تاختند. آششیری (Aššeri) پادشاه مانا سعی کرد بدیشان شیبخون زند ولی توفیق نیافت و مجبور به عقب‌نشینی شد. آشوریان در فاصله میان مرزهای جنوبی مانا و تا به تختگاه آن پادشاهی، ایزیرتو، هشت دژ را متصرف شدند. آششیری از ایزیرتو که در معرض خطر بود به دژ ایشتو (Ištutu) نقل مکان کرد. اما آشوریان که پانزده روز ایزیرتو و چندین دژ مانایی دیگر را مانند اوزبیه (Uzbia)، زیویه کنونی در نزدیکی شهر سقر و اورمیت (Urmite)، شاید که اورمیت امروزی؟، را شهربندان کرده و از تسخیر آنها نا امید شده بودند، نواحی اطراف را ویران و غارت کردند و به آشور بازگشتند؛<sup>۵۷</sup> این از معدود دفعاتی است که دژهای مادستان در برابر سپاهیان کارازموده آشوری و وسایل فنی دژکوب آنان مقاومت می‌کند و از نخستین نشانه‌هایی است از پیشرفت معماری ماد.

گویا خود مادان اکنون دیگر آن فنون نظامی کافی را برای فتح دژها به دست آورده بودند؛ کمی پیش از پادشاهی آشور بانی پال، در بهار سال ۶۷۱ ق.م خیزش عمومی علیه یوغ منفور آشور در مادستان آغاز شد. آشردون (۶۸۰ تا ۶۶۹ ق.م) پادشاه آشوری، پدر آشور بانی پال، در نهمین سال پادشاهی خویش به یکباره با قیام مادان به سرکردگی کشتربیتی (Kaštariti)، همان فراتریتس در فهرست هرودوتوس از پادشاهان ماد (حدود ۶۷۵ تا ۶۵۳ ق.م) مواجه شد. شورشیان (مادان، ماناییان، سکیان و کیمریان) مکرراً دژهای پادگانی آشور در خاک ماد را شهربندان و تسخیر می‌کنند؛ از جمله دژ کیشسیم با نام رسمی کارنینورت که مقر حاکم آشوری ایالت کیشسیم بود. این مادها دیگر همانهایی نیستند که به محض ورود سپاه آشور دژ خود را ترک می‌گفتند و به کوه می‌گریختند؛ اینان اینک نبرد سازمان داده شده‌ای را علیه تأسیسات آشوری در مادستان ترتیب می‌دهند.<sup>۵۸</sup>

هرچند که قیام سال ۶۷۱ ق.م منجر به انهدام کامل نیروی آشور در سرزمین ماد نشد ولی دست‌کم با این خیزش بنیاد پادشاهی متحد و مستقل ماد نهاده شد ...

دژهای مادی دیده می‌شود و گویا که تیرکش است، وجود ندارد. نیز در دژهای غیر مادی بیش از یک یا دو ردیف دیوار یا برج دیده نمی‌شود. سنجش دژهای مادی با دیگر دژهای شرق نزدیک در آن زمان، وجه تمایز، شکل خاص و ویژگیهای مهماری مادی این دوره را تبیین می‌کند. همسانی اندک استحکامات دژهای مادی با سایر دژها در نقوش برجسته دور شروکین در ردیف چندگانه حصارها و برجهای بر بالای تپه یا خاکریز نشان داده شده.<sup>۴۶</sup>

معماری ماد - البته - به شدت تحت تأثیر معماری پادشاهی اورارتو بود. همسایگی طولانی ساکنان مادستان با اورارتوییان، شباهت اقلیم کوهستانی ماد و اورارتو با هم، و به ویژه لشکرکشیهای متعدد پادشاهان اورارتو به خاک ماد، اختلاط فرهنگی شدیدی میان ماد و اورارتو پدید آورده بود، به همین دلیل در نقوش برجسته آشوری شباهتهایی بسیار میان معماری دژهای ماد و اورارتو دیده می‌شود.<sup>۴۷</sup> تأثیرات معماری اورارتو در شکل‌گیری معماری پارسی هخامنشیان نیز به وضوح مشهود است، خصوصاً بناهایی همچون کعبه زرتشت در نقش رستم و زندان سلیمان در پاسارگاد عیناً برگرفته برجهای نیایشگاهی اورارتویی پدید آمده.<sup>۴۸</sup> مشخصات معماری ماد که در نقوش برجسته دور شروکین دیده می‌شود، از جمله: دو خط موازی تزئینی در بالای حصار و برجها (زیر کنگره‌ها)، ردیفهای عمودی در بجه‌های راست‌گوشه روی حصار و برجها، کنگره‌ها و تیرکشهای واقع در بالای حصار، برجها و دروازه‌های ورودی شهرها (که یا پوشش قوسدار در پایین‌ترین سطح دیوار دژ تعبیه شده است)، این اسکان را به محققان می‌دهد که سبک معماری دژهای مادی را از سایر سبکهای دژهایی که در نقوش برجسته آشوری تصویر شده، تفکیک کنند.

در این میان نقوش برجسته کاخ تیگلت پیلسر سوم در کاخو (Kalhu)، ویرانه‌های نمرود در عراق کنونی، صحنه‌هایی از پیروزیهای آشوریان تصویر شده که می‌توان دژی مادی (?) را در آنجا بازشناخت.<sup>۴۹</sup> بر نوار بالایی لوحه سنگی شانزده کاخ مرکزی - که اینک تحت شماره‌های ۱۱۵۶۳۴ و ۱۱۸۹۰۳ در موزه بریتانیا (B.M. 115634/118903) نگهداری می‌شود - صحنه‌هایی از لشکرکشی سال نهم پادشاهی تیگلت پیلسر (۷۳۷ ق.م) به خاک ماد تصویر شده. متأسفانه نام دژ مادی (?) محفوظ نمانده، تنها چنین خوانده می‌شود: «شهر "او..."» (U...<sup>m</sup>)، که اشاره به فردی دارد که نامش با "او..." شروع می‌شود؛ شاید در اینجا اشاره به شاهکی مادی به نام اوپش (Upash) باشد که بر ولایت بیت‌کبسی (Bit-Kabsi)، به گمانی خطه کنونی قزوین،<sup>۵۰</sup> فرمان می‌راند است؛ بنابراین شاید که تصویر دژ مربوط به شهر کرکر بیخوندیر (Karkarhundir) پایتخت شاهک‌نشین بیت‌کبسی باشد.<sup>۵۱</sup> هرچند که در نقش این دژ در بجه‌های راست‌گوشه در بخش اصلی برجها وجود ندارد ولی نمونه‌های آن در بالای برجها که گشاده‌تر از بخش پیوسته به دیوار است دیده می‌شود. نیز این دژ یک ردیف حصار خارجی بدون برج و بارو دارد که روی تپه‌ای بنا شده. سطح بالایی حصار این دژ مانند دژهای مادی نقوش برجسته دور شروکین با دو خط موازی و کنگره‌ها تصویر شده است. البته تشخیص مطمئن‌تر این دژ همچون دژی مادی به سنجش بیشتر با دژهای اورارتو و سوریه و میانرودان نیاز دارد.<sup>۵۲</sup>

در یکی از صحنه‌های نقوش برجسته کاخ سارگن دوم در دور شروکین تصویر شاهکی مادی نقش شده که نمونه‌ای از دژ خویش را به نشانه فرمانبرداری به پادشاه آشوری تسلیم می‌کند.<sup>۵۳</sup> نقش مشابهی از این دست بر تابلو مفرغین زیویه حک شده و در آنجا دو تن از باج‌آوران نمونه‌هایی از دژ را بر دست دارند.<sup>۵۴</sup> این شواهد نشان‌دهنده این است که معماری ماد مبتنی بر نقشه (pian)، الگو (model) و نمونه (maquette)



حاشیه

۱. بنگرید به: محمدکریم بیرنیا، ۱۳۶۹، شیوه‌های معماری ایرانی، تدوین غلامحسین معماریان، تهران: مؤسسه نشر هنر اسلامی.
۲. بسنجید با: همان، ص ۷۲-۴۷.
۳. درباره معماری کهن دلازیان: محمد مهریار و احمد کبیری، ۱۳۶۵، «گزارش مقدماتی بررسی میدان باستانی دلازیان، چشمه شیخ»، اثر، شماره ۱۳-۱۲، ص ۴۳-۳.
۴. بنگرید به: مهرداد ملکزاده، ۱۳۸۲، «بنای سنگی زارنیاغ قم، نیایشگاهی (؟) از دوره ماد»، در: مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال ۱۷، شماره ۲، شماره پیاپی ۳۴، بهار و تابستان ۱۳۸۲ (زیر چاپ).
۵. برای بازسازی آجرهای لعابدار مادی باباجان تپه بنگرید به: HENRICKSON, R. C., 1983, "A reconstruction of the Painted Chamber Ceiling at Baba-Jan", *Iranica Antiqua XVIII*, pp. 81-96.
۶. گزارش کاوش در قلایچی بوکان تاکنون چاپ نشده. تا زمان چاپ و انتشار گزارش کاوش برای آجرهای لعابدار مانایی قلایچی بنگرید به: MOUSAVI, A., 1994, "Une brique a decor polychrome de l'Iran occidental (viite-viite s.av.j.-c)", *Studia Iranica XXIII/1*, pp. 7-18.
۷. پیرنیا، پیش گفته، ص ۴۱.
۸. البته در بیشتر کتب عمومی تاریخ هنر و معماری ایران فصلی یا بخشی و حداقل بندی در مورد معماری ماد آمده: سیدمحمدتقی مصطفوی، ۱۳۴۸، نگاهی به معماری ایران، تهران: شرکت سهامی سیمان تهران - شرکت سهامی سیمان شمال، ص ۲۲-۱۹.
- و: محمدرضا تقوی‌نژاد دیلمی، ۱۳۶۳، معماری، شهرسازی و شهرنشینی ایران در گذر زمان، تهران: یساولی، ص ۳۹-۱۹.
۹. برای ساخت اقتصادی امپراتوری آشور بنگرید به: POSTGATE, J. N., 1979, "The Economic Structure of the Assyrian Empire", *Power and Propaganda, A Symposium on Ancient Empires*, ed. by: M. S. Larsen, Mesopotamia: Copenhagen Studies in Assyriology VII, Copehagen: Akademisk Forlag, pp. 193-221.
۱۰. برای اهمیت مبادلات بازرگانی شرق و غرب از طریق جاده خراسان بزرگ در سده‌های دهم تا هفتم قم بنگرید به: LEVINE, I. D., 1977, "East-West Trade in the Late Iron Age: A View from the Zagros", *Le Plateau Iranien et l'Asie centrale des origines à la conquête islamique, Leurs relations à la lumière des documents archéologiques*, ed. by: J. Deshayes, Colloques Internationaux du Centre National de la Recherche Scientifique No 567, Paris: C.N.R.S., pp. 171-186.
۱۱. بسنجید با: DIAKONOFF, I. M., 1956, *Istorija Mldii ot drevnejšix vremen do kontsa IV v. do n. e.*, Akademiia Nauk CCCP, Moskva - Leningrad, chp. II, para. 5.
- در ترجمه فارسی (تاریخ ماد، ایگور میخائیلویچ دیاکوف، ۱۹۵۶، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام، ۱۳۵۷)، ص ۱۷۷-۱۷۶.
۱۲. بسنجید با: DIAKONOFF, 1956, chap. II, para. 2.
- در ترجمه فارسی، ص ۱۵۰.
۱۳. این واژه را در خط میخی اکدی آشوری با اندیشه‌نگاری می‌نوشتند که خزانو (hazānu) به معنی «ریش سفید ده»، یا «کدخدا» خوانده می‌شود؛ بنگرید به: DIAKONOFF, 1956, chap. II, para. 4.
- در ترجمه فارسی، ص ۱۶۷.
۱۴. بنگرید به: DIAKONOFF, 1956, chap. II, para. 5.
- در ترجمه فارسی، ص ۱۷۵، ۱۷۹.
۱۵. سالنامه‌های آشور نصیر پال دوم، سال سوم، ستون دوم، سطور ۴۹-۲۳؛ بنگرید به: LUCKENBILL, D. D., 1926, *Ancient Records of Assyria and Babylonia I: Historical Records of Assyria from the Earliest Times to Sargon*, Chicago: University of Chicago Press, pp. 149-151, no. 448-451.
- نیز بسنجید با: DIAKONOFF, 1956, chap. II, para. 2.
- در ترجمه فارسی، ص ۱۵۱.
۱۶. سالنامه‌های آشور نصیر پال دوم، سال چهارم، ستون دوم، سطور ۸۶-۴۹؛ بنگرید به: LUCKENBILL, 1926, p. 154, no. 458.
- نیز بسنجید با: DIAKONOFF, 1956, chap. II, para. 2.
- در ترجمه فارسی، ص ۱۵۳-۱۵۲.
۱۷. سالنامه‌های شلمنصر سوم، پاره‌هایی از سالنامه سال شانزدهم از شهر آشور؛ بنگرید به: LUCKENBILL, 1926, p. 235, no. 637.
۱۸. بسنجید با: DANDAMAYEV, M. A. and GRANTOVSKI, E. A., 1987, "The Kingdom of Assyria and its Relations with Iran", *Encyclopedia Iranica III/8*, p. 809.
۱۹. در مورد این دروازه بنگرید به: KING, L. W., 1915, *Bronze Reliefs from the Gates of Shalmaneser, King of Assyria B.C. 860-825*, London.
- نیز برای شرح تصاویر و متن نبشته‌های میخی آن: LUCKENBILL, 1926, p. 224-232, no. 612-625.
۲۰. عکسی از آن در کتاب کینگ چاپ شده: KING, 1915, pl. lxxix.
- برای متن مربوط به آن: LUCKENBILL, 1926, p. 196, no. 540-542.
۲۱. کتیبه تکستگ (Monolith Inscription)، یادمان شمش‌آدد پنجم، شرح لشکرکشی سوم وی؛ بنگرید به: LUCKENBILL, 1926, p. 256, no. 719.
- نیز بسنجید با: DIAKONOFF, 1956, chap. II, para. 2.
- در ترجمه فارسی، ص ۱۵۹.
۲۲. بنگرید به: PARPOLA, S. and PORTER, M. (eds.), 2001, *The Helsinki Atlas of the Near East in the Neo-Assyrian Period*, Helsinki: The Casco Bay Assyriological Institute and the Neo-Assyrian Texts Corpus Project, p. 16.
۲۳. سالنامه‌های تیگلت پیلسر سوم، سال نهم؛ بنگرید به: LUCKENBILL, 1926, p. 278, no. 774-775.
- نیز بسنجید با: DIAKONOFF, 1956, chap. II, para. 6.
- در ترجمه فارسی، ص ۱۹۰.
۲۴. کتیبه تکستون هرمی سیاه (Black Obelisk Inscription)، یادمان شلمنصر سوم، سال بیست و چهارم، سطور ۱۲۶-۱۱۰؛ بنگرید به: LUCKENBILL, 1926, p. 207, no. 581.
- نیز بسنجید با: DIAKONOFF, 1956, chap. II, para. 2.
- در ترجمه فارسی، ص ۱۵۶.
۲۵. سالنامه‌های سارگن دوم، متون خُرساباد، سال ششم، سطور ۷۴-۵۲؛ بنگرید به: LUCKENBILL, D. D., 1927, *Ancient Records of Assyria and Babylonia II: Historical Records of Assyria from Sargon to the end*, Chicago: University of Chicago Press, pp. 4-5, no. 10.
- همچنین در کتیبه‌های نمایشی خُرساباد: *Ibid.*, p. 29, no. 56.
- نیز بسنجید با: DIAKONOFF, 1956, chap. II, para. 7.

Achaemenian empire", *A Study of History VII*, London - New York, pp. 580-689.

در ترجمه فارسی (جغرافیای اداری هخامنشیان، آرنولد توین بی، ۱۹۵۴، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۷۹)، ص ۸۴-۸۲.

DIAKONOFF, 1956, chap. II, para. 5. ۴۵. بسنجید با: در ترجمه فارسی، ص ۱۷۶-۱۷۷.

GUNTER, 1982, pp. 108-109. ۴۶. بسنجید با: برای تأثیر معماری اورارتو بر معماری هزاره یکم ق م ایران بنگرید به:

JOHNSON, E. C., 1975-76, "Urartian Influence upon Iranian Architecture in Early First Millenium B. C.", *Marsyas XVII*, pp. 21-38.

STRONACH, D., 1967, "Urartian and Achaemenian Tower Temples", *Journal of Near Eastern Studies XXVI*, pp. 278-288, pl. xxiv-xxvi. ۴۸. بنگرید به:

GUNTER, 1982, p. 105, pl. II a. ۴۹. بنگرید به:

READE, J., 1978, "Kassites and Assyrians in Iran", *Iran XVI*, pp. 137-143. ۵۰. بنگرید به:

BARNETT, R. D. and FALKNER, M., 1962, *The Sculptures of Assur-nasir-apli II (883-859 B.C.), Tiglath-Pileser III (745-727 B.C.), Esarhaddon (681-669 B.C.) from the Central and South-West Palaces at Nimrud*, London, pp. xiv-xix, 14. ۵۱. بنگرید به:

GUNTER, 1982, p. 109-110. ۵۲. بسنجید با:

DIAKONOFF, 1956, chap. II, fig. 35. ۵۳. بنگرید به:

در ترجمه فارسی، ص ۱۸۱، تصویر ۳۵. ۵۴. بنگرید به:

CULICAN, W., 1965, *The Medes and Persians*, Ancient Peoples and Places XLII, London: Thames and Hudson, p. 48, fig. 16. ۵۵. بنگرید به:

در ترجمه فارسی (مادی‌ها و پارسی‌ها، ویلیام کالیکان، ۱۹۶۵، ترجمه گودرز اسعدیختیار، تهران: انتشارات شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران، ۱۳۵۰)، ص ۴۳، تصویر ۱۶.

KLEISS, W., 1976, "Urartäische Architektur", *Urartu: Ein wiederentdeckter Rivale Assyriens*, ed. by: H. J. Kellner, Ausstellungskataloge der Prähistorischen Staatssammlung II, München: Museum für Vor- und Frühgeschichte, pp. 28-44, Abb. 6, 34. ۵۶. بنگرید به:

سیف‌الله کامبخش‌فرد، ۱۳۷۴، مجد آناهیتا، کنگاور، کاوشها و پژوهشهای باستانشناسی و بازرسی و احیای معماری معبد ناهید و تاق‌گرا، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۲۳، ص ۲۰۰-۱۹۹، تصویر ۴۰۶.

نیشته‌های استوانه‌های آشوریانی پال، استوانه ب (۶۶۸ ق م)، شرح لشکرکشی پنجم (علیه مانا)، ستون سوم، سطر ۱۶ و ستون چهارم، سطر ۱۴، بنگرید به:

LUCKENBILL, 1927, pp. 326-327, no. 851. ۵۷. بسنجید با:

DIAKONOFF, 1956, chap. III, para. 6. ۵۸. بنگرید به:

در ترجمه فارسی، ص ۲۵۹. ۵۹. بنگرید به:

DIAKONOFF, 1956, chap. II, para. 4 & 5. ۶۰. بنگرید به:

در ترجمه فارسی، ص ۲۵۷-۲۴۷.

TOYNBEE, A. J., 1954, "The administrative Geography of the

در ترجمه فارسی، ص ۱۹۷-۱۹۶.

۶۱. سالنامه‌های سارگن دوم، متون خُرساباد، سال هفتم، سطور ۱۰۰-۷۵؛ بنگرید به: LUCKENBILL, 1927, p. 6, no. 13.

۶۲. نیز بسنجید با: DIAKONOFF, 1956, chap. II, para. 7. در ترجمه فارسی، ص ۱۹۹.

۶۳. سالنامه‌های سارگن دوم، متون خُرساباد، سال ششم، سطور ۷۴-۵۲؛ بنگرید به: LUCKENBILL, 1927, p. 6, no. 11.

۶۴. همچنین در کتیبه‌های نمایشی خُرساباد: *Ibid.*, p. 29, no. 57. نیز بسنجید با:

DIAKONOFF, 1956, chap. II, para. 7. در ترجمه فارسی، ص ۱۹۷.

۶۵. سالنامه‌های سارگن دوم، متون خُرساباد، سال هفتم، سطور ۱۰۰-۷۵؛ بنگرید به: LUCKENBILL, 1927, p. 7, no. 15.

۶۶. همچنین در کتیبه‌های نمایشی خُرساباد: *Ibid.*, p. 30, no. 58. نیز بسنجید با:

DIAKONOFF, 1956, chap. II, para. 7. در ترجمه فارسی، ص ۱۹۹.

۶۷. برای بحثی در باب دژهای ایران غربی و اورارتو و معماری آنها در نقوش آشوری بنگرید به:

GUNTER, A., 1982, "Representations of Urartian and Western Iranian Fortress Architecture in Assyrian Reliefs", *Iran XX*, pp. 103-112.

۶۸. برای بازتاب لشکرکشیهای سارگن در نقوش خُرساباد بنگرید به:

READE, J. E., 1976, "Sargon's Campaigns of 720, 716, and 715 B.C.: Evidence from the Sculptures", *Journal of Near Eastern Studies XXXV/2*, pp. 95-104.

۶۹. بنگرید به:

BOTTA, P. E. and FLANDIN, E., 1849-50, *Monument de Ninive, découvert et décrit par M.P.É. Botta, mesuré et dessiné par M.E. Falhdin I-V*, Paris, vol. I, pl. 55.

۷۰. بنگرید به: *Ibid.*, vol. I, pl. 61.

۷۱. بنگرید به: *Ibid.*, vol. I, pl. 64.

۷۲. بنگرید به: *Ibid.*, vol. I, pl. 68-68bis.

۷۳. بنگرید به: *Ibid.*, vol. I, pl. 70.

۷۴. بنگرید به: *Ibid.*, vol. I, pl. 70.

۷۵. بنگرید به: *Ibid.*, vol. I, pl. 77.

۷۶. بنگرید به: *Ibid.*, vol. II, pl. 147.

۷۷. بنگرید به: *Ibid.*, vol. II, pl. 145.

۷۸. نگارنده در سخنرانی خود تحت عنوان: «په گیان نهادند: کوشک آشوری - مادی، در «سلسله سخنرانیهای پژوهشکده باستان‌شناسی»، به تاریخ ۲۸ خرداد ماه ۱۳۸۱، در تالار اجتماعات سازمان میراث فرهنگی کشور بدین موضوع پرداخته است.

۷۹. بسنجید با: GHIRSHMAN, R., 1951, *L'Iran; des origines à l'Islam*, Paris, p. 80.

۸۰. در ترجمه فارسی (ایران از آغاز تا اسلام، رومن گیرشمن، ۱۹۵۱، ترجمه محمد معین، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۶)، ص ۹۳.

۸۱. بسنجید با: PARPOLA and PORTER, 2001, p. 11.

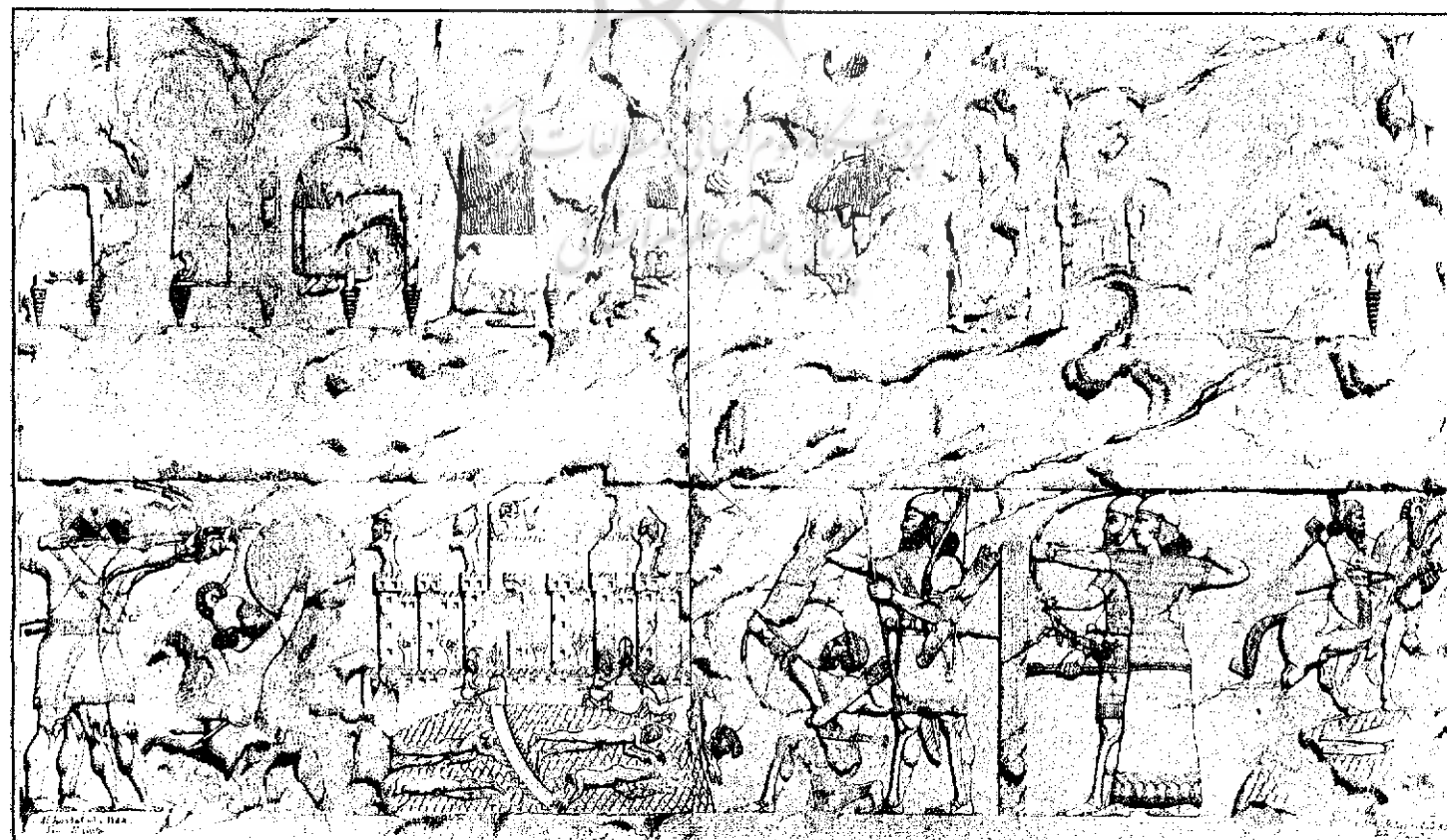
۸۲. نگارنده در سخنرانی خویش با نام: دژ "مادی" بیستون کرمانشاهان، در شبکه فرهنگ، مجله فرهنگ، «برنامه گنجینه»، به تاریخ ۲۰ آذر ماه ۱۳۸۱، گروه فرهنگ و اندیشه صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران بدین مهم پرداخته است.

۸۳. بسنجید با: TOYNBEE, A. J., 1954, "The administrative Geography of the



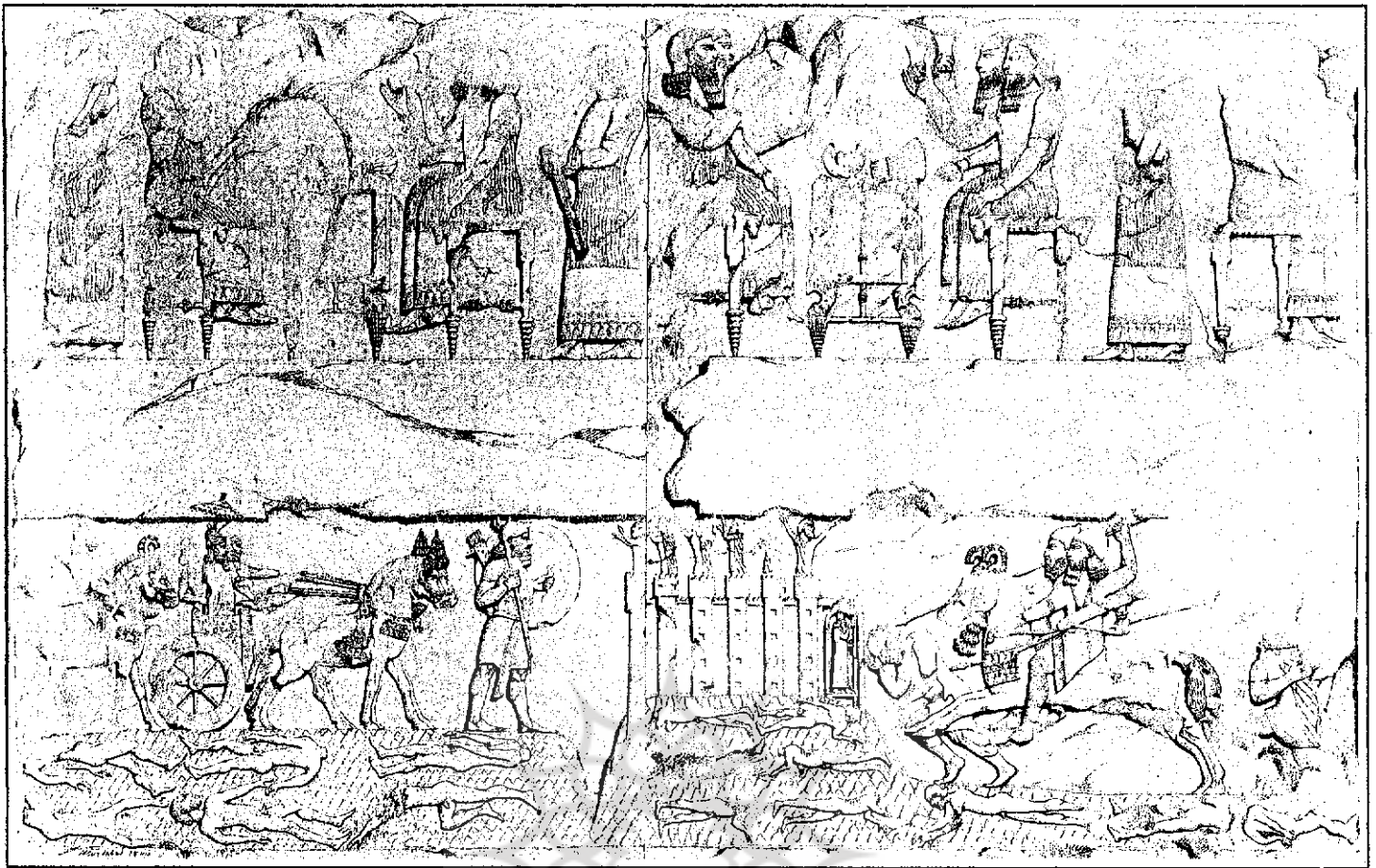


عکس شماره ۱.

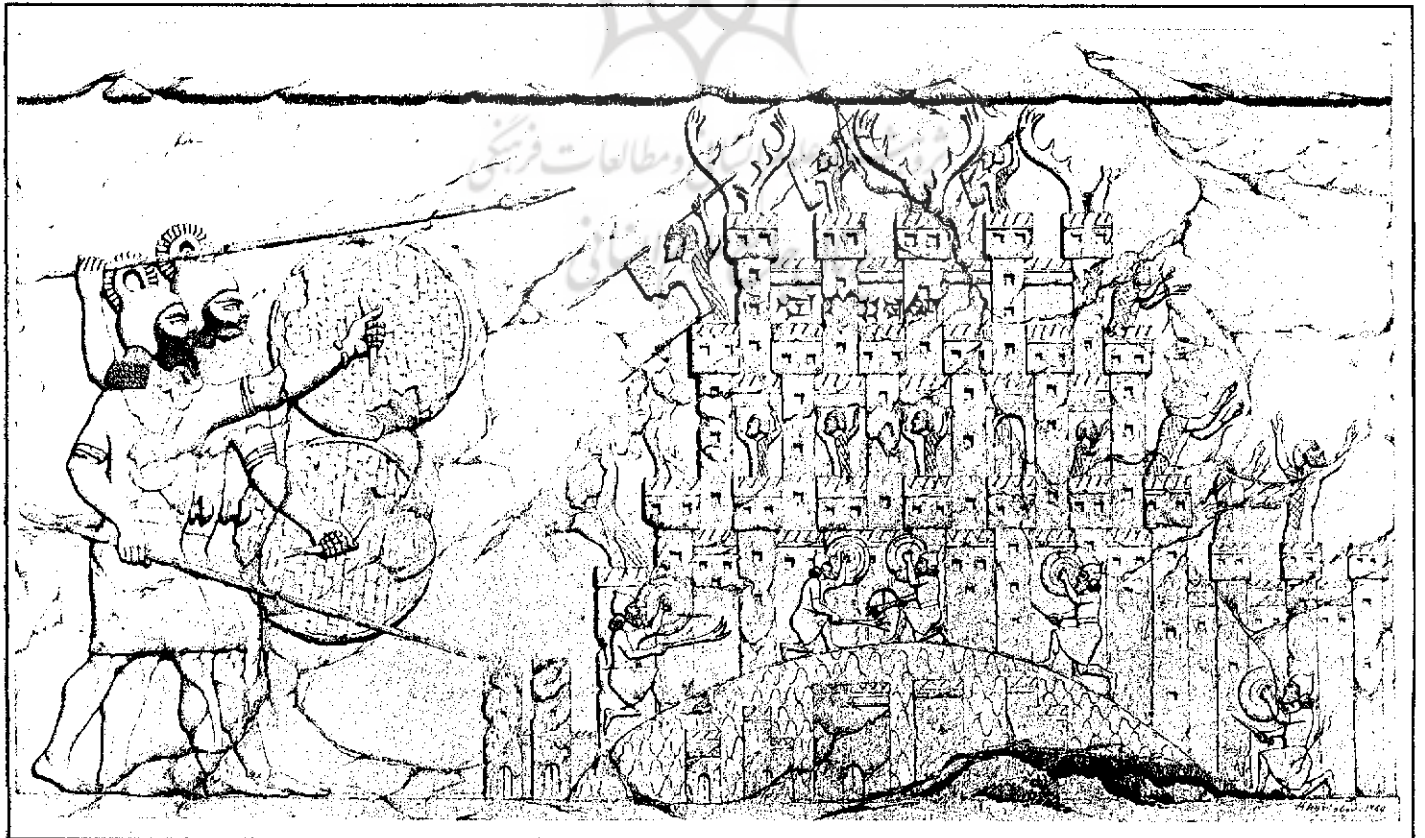


عکس شماره ۲.



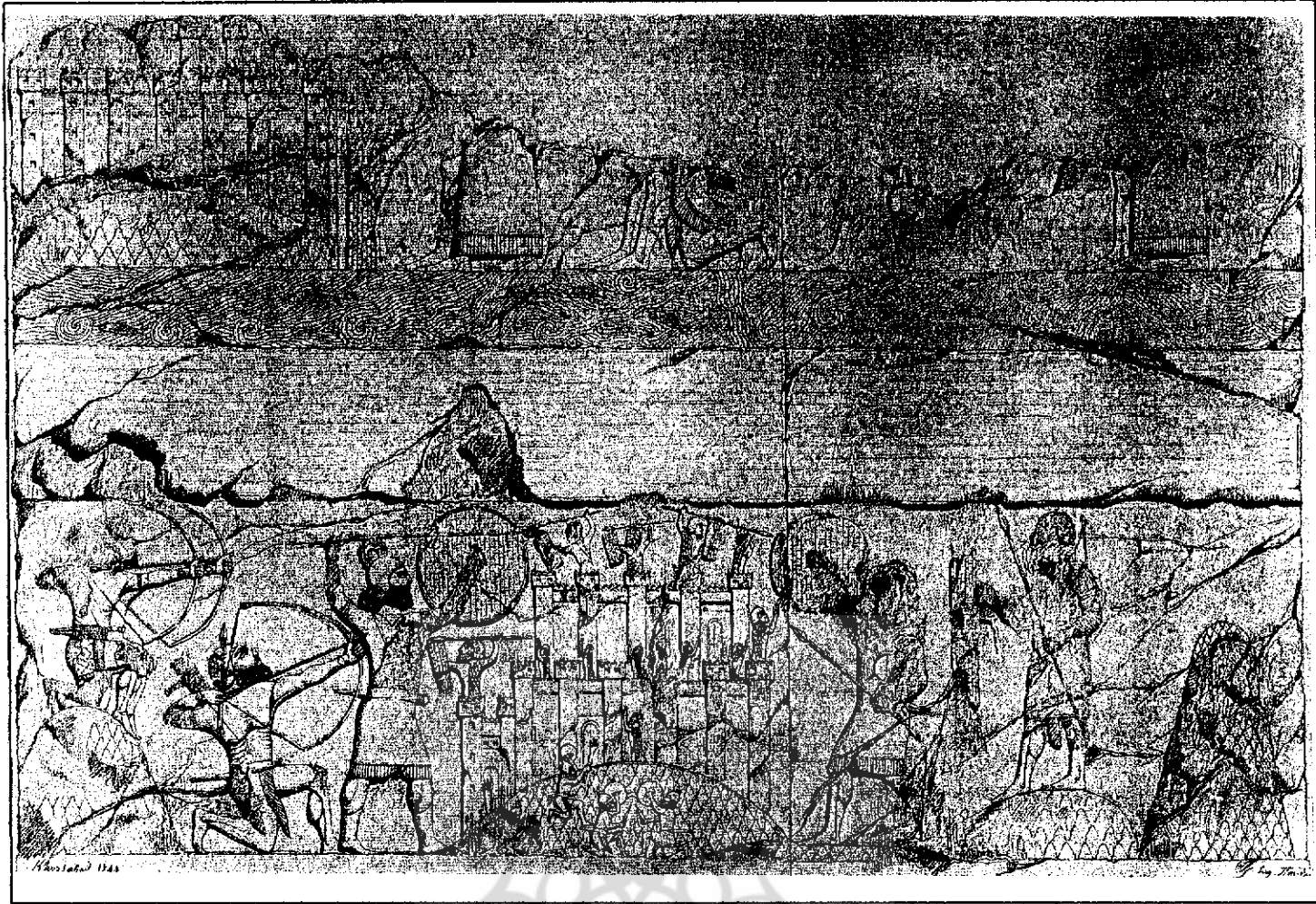


عکس شماره ۳.



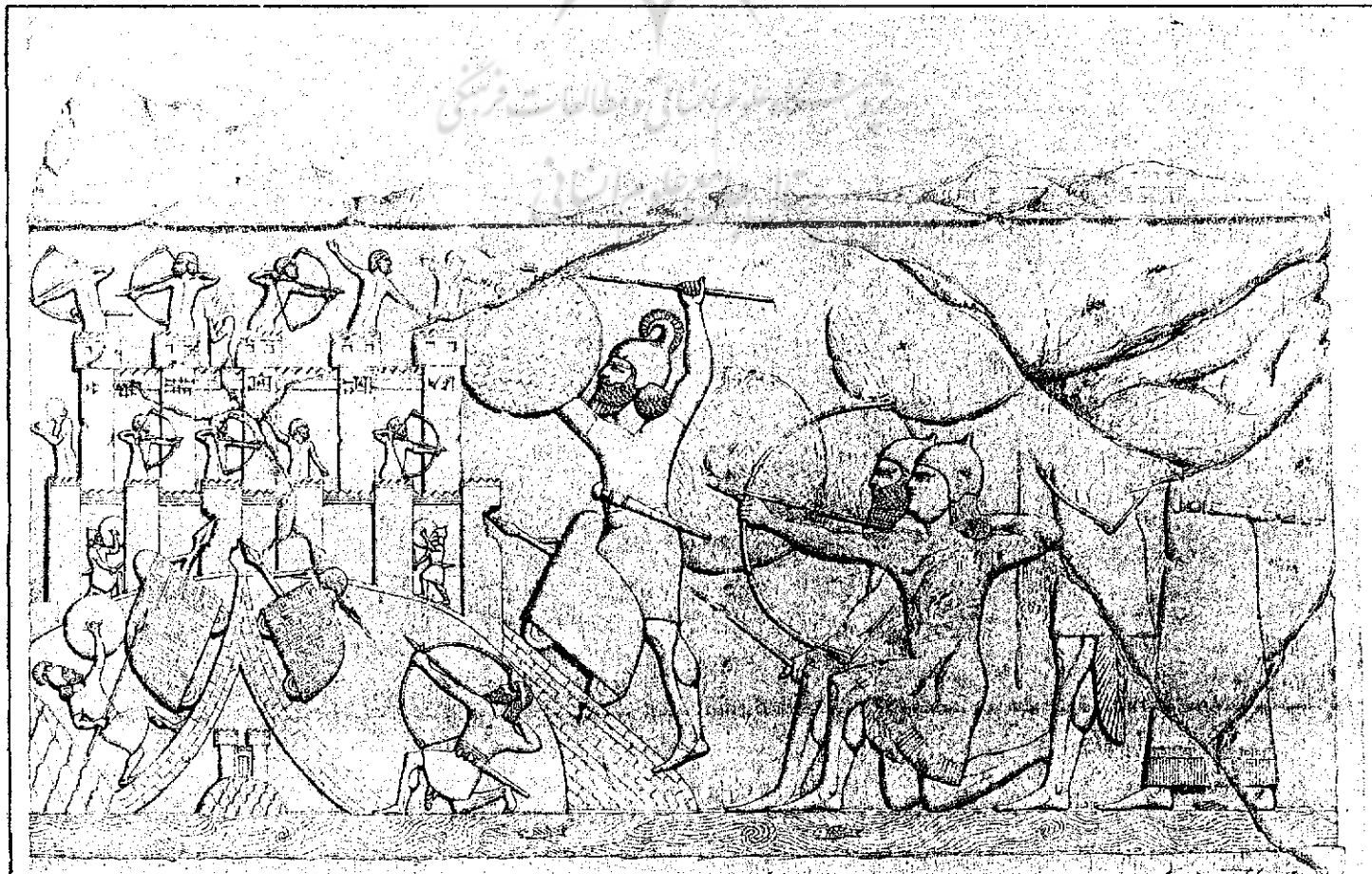
عکس شماره ۴.



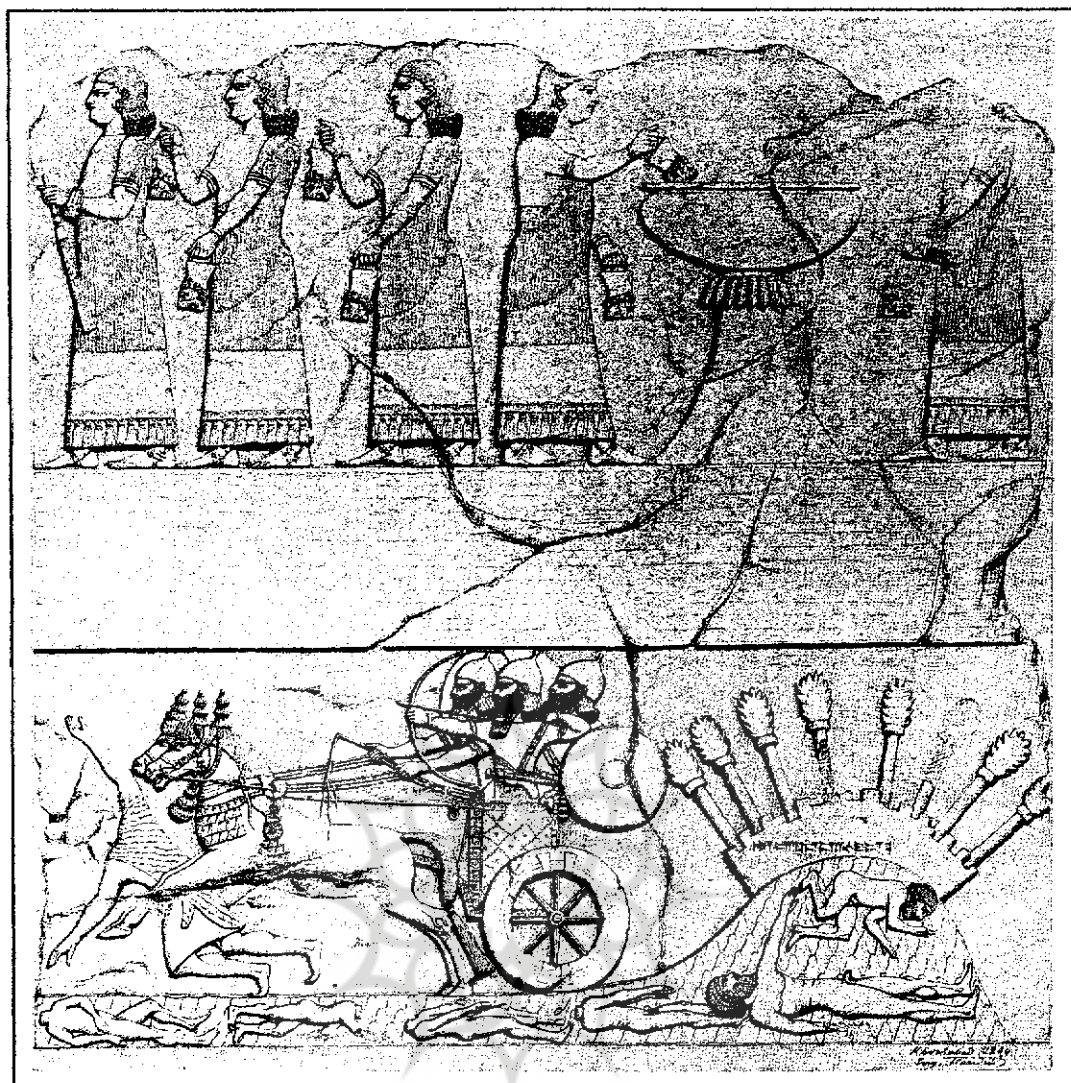


عکس شماره ۶

عکس شماره ۵







عکس شماره ۷.

